



دانشگاه حکیم سبزواری
معاونت فرهنگی و اجتماعی



پیدا عدالت

چهارمین گاهنامه حقوقی
اردیبهشت ۱۴۰۳

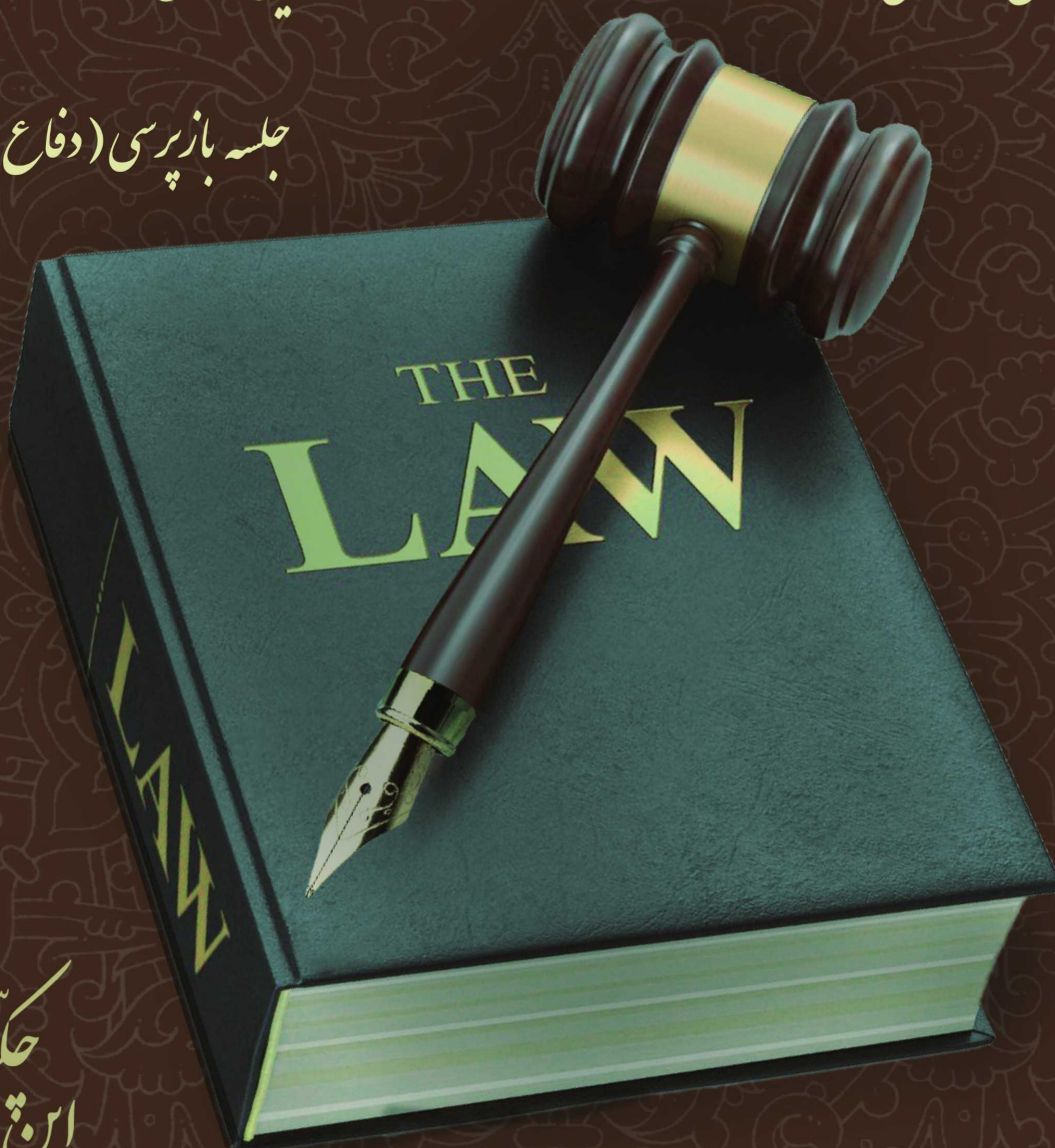
نگاهی بر حقوق دانشجویی

بررسی مهریه از منظر رویه قضایی

منفورترین حلال نزد خدا

هوش مصنوعی در دستگاه قضا

جلسه بازپرسی (دفاع مشروع)



دارد
حکایت سخن ها
این قلم

ندای عدالت

شناسنامہ

نشریہ ندائے عدالت ، شمارہ چہارم ، اردیہشت ۱۴۰۳

بہ صاحب امتیاز نے انجمن علمہ حقوق دانشگاہ حکیم یزوانے

✓ مدیر مسئول: مہرزاد چراغی

✓ ردبیر: سیدہ پریسا حسینی

✓ طراح و صفحہ آرا: مہرزاد چراغی

✓ هیأت تحریریہ:

محمد علی ذاکر

محمد مہدی عبدلہی

مہرزاد چراغی

سارا براتی

سید حمید رضا حسینی

✓ ویراستار: سیدہ پریسا حسینی ، مہرزاد چراغی

فهرست

۱ وصول مهریه در رویه قضایی (محمد علی ذاکر)

۱

۳ جلسه بازپرسی (دفاع مشروع) (مهرزاد چراغی)

۲

۵ کلیاتی از حقوق دانشجویی (محمد مهدی عبداللهی)

۳

۷ طلاق از پنجره فقه و حقوق (سید حمیدرضا حسینی)

۴

۸ هوش مصنوعی در دستگاه قضایی (سارا براتی)

۵

به نام عادل دادگر

بشر همواره در حال تکامل مفاهیمی همانند دادگری عدالت و انصاف است که شاخصه های آن توسط حاکمیت ها و دولت ها تعیین می شود و آنها را ملزم میکند که با وضع قوانینی که مشخصا باید در چارچوب عدالت و انصاف قرار داشته باشد برای نشر حق طلبی و مکلف نمودن افراد به همزیستی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر و جوامع مختلف قدمی به سوی دست یافتن به سرچشمه حق در فطرت انسان بردارند.

اما مسئله اینجاست که بشر قرن بیست و یک با توجه به این حجم از توسعه ارتباطات و تکنولوژی چقدر توانسته به انتشار این مفاهیم اخلاقی جهان شمول پردازد.

شاید انسان امروزی پویایی را از خاطر برده و اصلاح آنچه که بر اساس نیاز و فرهنگ هر جامعه مورد پذیرش است را فراموش کرده است.

هر قدم به سوی تغییر و تعیین قوانین عادل تر، انگیزه ای است که ما را به سمت تعالی و عدالت فطری هدایت خواهد کرد.



در جامعه کنونی، اولین مفهومی که با شنیدن حقوق خانواده در ذهن دانشجوی حقوق ظاهر میشود، "مهریه" است اما خارج از درس ها و نظریات متفاوت و اصطلاحات زیاد حقوق خانواده، بیشتر به دنبال آن باشیم که یاد بگیریم که چگونه میتوان از دانسته های خود در بحث مهریه، از حقوق خود دفاع کنیم یا بتوانیم به عنوان دانش آموخته رشته حقوق به دیگران کمک کنیم.

در این نوشتار کوتاه سعی داریم شما را با چند رویه مبتلا به زوجین آشنا کنیم و راه حل ها و نحوه رسیدگی به این سری از دعوی را بازگو نماییم.

اولین موضوعی که زوجه در وصول مهریه خود با آن روبه است این موضوع است که چگونه و از کدام مرجع صالح وصول مهریه خود را بخواهم؟ و در برخورد با بسیار از موکلین با این سوال مشابه برخورد میکنیم که "چرا در شروع کار، از دادگاه اقدام نمیکند؟"

میدانیم که در قانون آیین دادرسی مدنی (ماده 13) و قانون حمایت خانواده (ماده 12)، زوجه میتواند در اقامتگاه خود یا در اقامتگاه زوج دعاوی که مرتبط با روابط زوجین است را مطرح کند اما در رویه کنونی نمیتوان با ارائه دادخواست حقوقی به دادگاه عمومی حقوقی یا خانواده، برای وصول مهریه اقدام کرد و ابتدا می بایست طبق بند ب ماده 113 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به اجرائیات اداره ثبت مراجعه کرد و با ارائه سند ازدواج، اموال زوج را ابتدا شناسایی و سپس توقیف و در انتها با توجه به میزان مهریه از طریق مزایده به فروش رساند و حاصل آن را بابت مهریه وصول کرد.

نکته قابل توجه این موضوع می باشد که مردم در مراجعات کثیر خود به اجرائیات اداره ثبت درخواست توقیف مال منقول یا غیرمنقولی را می خواهند که دارای سابقه ثبتی نیست! و می دانیم که نمی توانیم از اداره ثبت درخواست توقیف خانه ای را بخواهیم که قولنامه ای است یا درخواست توقیف خودرویی را بخواهیم که زوج از آن استفاده میکند اما سند مالکیت آن متعلق به دیگری است

حال اگر در اجرائیات ثبت زوجه از همسر خود هیچ مال رسمی را شناسایی نکرد تکلیف چیست؟

بسیاری از موارد زوج قبل از اقدام زوجه، تمامی اموال خود را از ید مالکیت خود خارج میکند یا از زوج واقعا هیچ مالی یافت نمیشود، که در این شرایط زوجه ابتدا باید پرونده مطروحه در اجرائیات اداره ثبت را مختومه اعلام کند و با داشتن برگه مختومه اجرائیات اداره ثبت در دادگاه حقوقی یا در شهر های بزرگ در دادگاه خانواده دادخواست مهریه بدهد و در اجرائیات ثبت نمیتوان به علی مثل انتقال صوری یا فرار از دین استناد کرد زیرا مبثی است که نیازمند رسیدگی ماهوی دارد و در صلاحیت اداره ثبت نمی باشد.

در اینجا باید توجه کنیم که اگر به هر دلیلی زوجه پرونده خود را با

وجود یا عدم وجود اموال رسمی از زوج مختومه کند، دیگر نمی تواند از طریق اجرائیه اداره ثبت اقدام کند و تنها راه اقدام برای وصول مهریه ارائه دادخواست حقوقی خواهد بود.

حال که دانستیم از چه مرجعی برای اقدام شروع کنیم و مراجع صالح برای وصول مهریه را شناختیم؛ این سوال در ذهن متبلور می شود که چگونه دادخواست بدهیم که اگر بخواهیم صفر تا صد ارائه و چگونگی نگارش آن را توضیح دهیم، طولانی و بسیط خواهد شد و لذا صرفا به ذکر نکاتی می پردازیم که اکثر افراد از آن غافل میشوند و را خود را سخت تر میکنند.

اگر زوجه دارای ملک غیر رسمی یا قولنامه ای است، در ضمن دادخواست اصلی تامین خواسته ملک را بخواهیم که تا روشن شدن دادخواست مهریه، ملک موقتا توقیف شود اما نکته ای که حائز اهمیت است این موضوع می باشد که اگر از ملکی که غیر رسمی است و متعلق به زوج می باشد مدرکی نداشته باشیم اما خود زوج متصرف آن باشد، می توانیم توقیف ملک را طبق ماده 101 قانون اجرای احکام مدنی از دادورز اجرای احکام بخواهیم (که مامور در محل ملک حاضر و ملک را در تصرف زوج صورتجلسه و با اطلاع دادن به اهالی محل، ملک را توقیف مینماید).

باید طبق انحصار وراثت موجود تمامی وراثت حتی اگر تعداد آنها زیاد است در خواندگان دعوی قرار گیرد و نمی توان به دلیل تعداد بالای خواندگان مثلا 20 نفر از خوانده قرار دادن تعدادی از آنها خودداری نمود.

در نگارش غیر فنی و تخصصی با این جمله بسیار رو به رو میشویم که از مقام قضایی درخواست صدور حکم جلب زوج را درخواست می کنند که این موضوع در قانون جدید با اثبات اعسار زوج عملا منتفی شده است و با وجود معسر شدن مرد، حبس برای وی در نظر گرفته نمیشود که بتوانیم حکم جلب را تقاضا نماییم.

یکی از موضوعاتی که در دادخواست ممکن است شخص با آن روبرو شود هزینه دادرسی هنگفتی است که امروزه با وجود مهریه های سنگین که اکثرا تحت عنوان سکه بهار آزادی است، زوجه از پرداخت آن برنمی آید و با عدم پرداخت آن، دادخواست رد خواهد شد که باید بدانیم که اگر زوجه از پرداخت هزینه دادرسی ناتوان شد میتواند به استناد مواد 505 و 506 آیین دادرسی مدنی و ماده 5 قانون حمایت خانواده، اعسار از پرداخت هزینه دادرسی استفاده نماید.



وقتی فهمیدیم که در چه مرجعی اقدام کنیم و چه نکاتی در دادخواست خود رعایت کنیم، در بسیاری از موارد زوج با ارائه دادخواستی، ادعای اعسار میکند که برخلاف تمامی دیون که فرد معسر باید اعسار خود را طبق قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و آیین دادرسی مدنی ثابت کند، در دادخواست اعسار از پرداخت مهریه رویه کنونی بر این اصل پایدار است که اعسار شخص با ارائه استشهادیه پذیرفته میشود و اگر زوجه خلاف این موضوع را میتواند اثبات کند، باید دلایل خود را به دادگاه تقدیم کند. همچنین در بعضی از موارد زوجه، وقتی هیچ مالی از زوج به غیر از خودروی وی پیدا نکرد، اقدام به توقیف و در نهایت مزایده خودرو می کند که در برخورد با این موضوع برای جلوگیری از توقیف و مزایده خودرو، زوج میتواند با اثبات این موضوع که با خودرو کار میکند یا وسیله کار می باشد از توقیف و مزایده خودرو جلوگیری کند مثلاً اگر زوج دارای وانت می باشد و شغل اصلی زوج حمل بار است میتواند با ارائه مدرکی از اصناف یا محل کار خود این موضوع را به مرجع صالح خواه دادگاه خواه اجرائیات اداره ثبت ثابت کند که خودرو برای امرار معاش می باشد طبق بنده ماده 24 قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، جزء مستثنیات دین قرار میگیرد. حالتی بسیار شایع در محاکم دیده میشود که وقتی زوجه مالی از زوج را توقیف کرد و النهایه به مرحله مزایده رسید، ناگهان ثالثی با طرح دعوی اثبات وقوع عقودی مثل بیع یا صلح یا... از دادگاه توقف عملیات اجرایی و اثبات موضوع خود را میخواهد که این امر باعث متوقف شدن روند فروش و مزایده مال خواهد شد

حال در برخورد با این موضوع چه باید کرد؟

شاید زوج قبل یا بعد از مطرح شدن موضوع مهریه توسط زوجه، مال خود را به ثالثی که غالباً از اعضای نزدیک خانواده است، بیع یا صلح یا ... کرده باشد که این معاملات در اکثر موارد صوری بوده و برای فرار از دین خواهد بود که باید بین انتقال بعد از مطرح شدن مهریه و قبل از آن، تفکیک قائل شد:

اگر انتقال قبل از مطرح شدن موضوع مهریه (اعم از در اجرائیات ثبت یا دادخواست بدوی مهریه باشد) باشد اصل بر صحت آن است مگر بتوان خلاف آن را ثابت نمود که در اینجا مواردی که بسیار در محاکم دیده میشود را ذکر میکنیم:

زوج مال خود را طبق قراردادی (عقد) به خانواده خود انتقال داده است و مدعی این موضوع است که تاریخ قرارداد بر تاریخ دادگاه مقدم است و عقد صحیح است اما با کمی فکر میتوان با چند سوال هدفدار که قرارداد بیع را منعقد گردید، وجه معامله به کدام حساب واریز شد! و فیش واریزی را ارائه دهید!

یا اگر عقدی منعقد کرده اند میتوانید از ارجاع امر به کارشناسی برای صحت سنجی این موضوع که این قرارداد واقعا در آن تاریخ نوشته شده است یا خیر استفاده کنید یا موردی که بسیار دیده میشود آن است که مال بابت دین واهی به دیگری داده شده است که شما میتوانید اصل دین را زیر سوال ببرید و صوری بودن معامله برای فرار از دین را توجیه کنید که اصولاً این امر کمی دشوار است.

اگر انتقال بعد از مطرح شدن موضوع مهریه در اجرائیات اداره ثبت یا دادگاه باشد که کار بسیار ساده خواهد بود و عقد موخر به دلیل مقدم بودن تاریخ مطالبه مهریه صحیح نخواهد بود و زوج و ثالث نمیتواند از آن برای رهایی از پرداخت مهریه استفاده نماید.

زوجه بعد از اتمام مراحل اجرائیات ثبت یا بعد از صدور رای در دادگاه، میتواند تقاضای مزایده نماید که بعد از ارجاع امر به کارشناسی و تعیین حداقل قیمت مال، به فروش میرسد و حاصل فروش به زوجه تعلق میگیرد.

در وصول مهریه در رویه قضایی سعی کردیم که گوشه ای از این موضوع را که مبتلا به بسیاری از افراد میباشد و سوال اصلی امروزه جامعه نیز هست، به شما نشان دهیم تا هم شما با این موضوعات عملی آشنا شوید و هم بتوانید به دیگران کمک کنید. موضوع وصول مهریه در بحث تئوری شاید مسئله ساده و بدون حاشیه و بدون چالشی باشد اما با وجود قوانین و رویه های کنونی نیز تخصص خانواده به شمار می رود و گاهی موضوعات جالب و نادری در آن مطرح می شود که گاهی وکلا و مشاوران حقوقی را به عمق فکر فرو میبرد.

محمد علی ذاکر
وکیل دادگستری

((دفاع مشروع))

■ شرایط دفاع مشروع:

۱. دفاعی که فرد انجام می دهد باید برای دفع خطر لازم و ضروری باشد. یعنی اگر فردی به سوی شما آمد و شروع کرد به ضرب شتم بدون سلاح کرد، شما حق ندارید به وسیله سلاح و ابزار با او درگیر شوید، زیرا آن چیزی که باید رعایت شود (تناسب دفاع است) دفاع باید همسان و هم اندازه با حمله متجاوز باشد و در فقه هم توسط قاعده (الاسهل فالاسهل) به آن اشاره می شود. اگر فرد بتواند بدون انجام دادن عمل مجرمانه، به دفع خطر اقدام کند باید به آن پایبند باشد و از انجام عمل مجرمانه دوری کند زیرا در این صورت دفاع مشروع تلقی نمی شود.

طرف دعوی: چطور می توانم کاری نکنم؟
وقتی که دارم بهم حمله میکنم و شروع میکنم به فحاشی و کتک زدن من بشنیدم نگاهش کنم؟ چه شکلی با قانونی که میگه هر ضرب و شتم از کبودی گرفته تا قتل، جرم محسوب میشه کنار بیام و کاری نکنم چون بهم میکن مجرم و تصمش هم ديه و زندان و شلاق؟!.....

۲. دفاع باید در صورت وقوع تجاوز یا حمله یا علتی موثق بر رخداد آن صورت بگیرد. نمی شود بر اساس حدس واهی اقدام به دفاع کرد زیرا باید احتمال رخداد حمله توسط دیگری به حدی عیان باشد که تقریباً از قطعی بودن وقوع آن اطمینان داشته باشیم. مثلاً صرفاً تهدید کردن فردی به قتل، باعث نمی شود که فرد تهدید شده در صدد جبران و انجام فعلی همسان با تهدید بر آید.

این گوشه ای از داستان رخ داده است.
چند شب پیش در کوچه ای تاریک جلویش را گرفتند و با فحاشی، زورگویی و ضربه چاقو سعی کردند کیف مدارکش را از دستش بگیرند و او پس از درگیری و وارد کردن چند ضربه با دست موفق شد تا بزهکاران را از رسیدن به قصد خود باز دارد.

در جلسه بازپرسی بودیم که این جملات را بازگو کرد و تصور می کرد مجرم شناخته می شود
شما هم همین تصور را دارید؟!

این حق را به شما می دهیم که در مقابل زورگویان و مسلحان دست به انجام عمل مجرمانه بزنید و شما را مجرم ندانیم!

۳. خطر و تجاوزی که تهدید کننده است با آگاهی و تجاوز خود فرد صورت نگرفته باشد. برای مثال اگر فرد (الف) به سمت مغازه فرد (ب) رود و اقدام به شکستن شیشه مغازه کند و در اثر آن فرد (ب) زخمی شود و به سمت فرد (الف) رود تا از جان و مال خود دفاع کند، هر عملی از فرد الف سر بزند داخل بر قاعده دفاع مشروع نخواهد بود زیرا خود بوده است که ابتدا اقدام به حمله کرده است.

دقیق تر به مسئله بنگریم:

هنگامی که یک فرد در مقام دفاع از خود، ناموس، اموال و آزادی خود یا دیگری قرار می گیرد و با رعایت تعدادی عامل، دست به انجام عملی مجرمانه می زند، قانون او را مجازات نمی کند. این حکم قانونی، دفاع مشروع نام دارد

۴. دسترسی پیدا کردن به قوای دولتی و انتظامی برای دفع فوری خطر ممکن نباشد. اگر این شرایط محیا شود که برای دفع خطر می شده از قوای دولتی مثل نیروی انتظامی (بدون فوت وقت) استفاده کرد، دفاع مشروع محقق نمی شود.

ابتدا بیان کنیم که چه عوامل و شرایطی ممکن است حادث شود تا فرد مجبور به دفاع مشروع شود
عواملی که در قانون نامبرده شده است: شرایط دفاع در مقام دفاع از: نفس، ناموس، عرض (آبرو و حیثیت / ناموس)، مال، آزادی است.

یعنی افراد در مقام دفاع از هر یک از شرایط فوق الذکر قرار بگیرند در صورت رعایت مراحل دفاع می تواند عنوان مجرمانه ای انجام دهد ولی مجرم شناخته نشود.

این شرایط باید مجموعاً در یک رخداد حاصل شود تا دفاع فرد مشروع واقع شود. اگر هر کدام از شرایط فوق حاصل نشود دفاع مشروع منتفی خواهد بود و عمل، مجرمانه تلقی خواهد شد.

در دفاع مشروع مهم ترین نکته پس از بررسی شرایط جامع فوق، بررسی شدن مراحل دفاع از لحاظ کمیت و کیفیت بسیار مهم و عملی تخصصی است.

منظور از مراحل دفاع این است که فردی که مورد حمله یا تجاوز قرار گرفته تا چه اندازه اقدام به دفاع و توسل یافتن به عمل مجرمانه داشته باشد؟!

همانطور که پیش‌تر گفتیم، اگر بتوان برای دفع خطر به عملی غیر مجرمانه متوسل شد قطعاً باید همین کار را کرد زیرا در صورت احراز شدن این موضوع توسط دادگاه، حکم دفاع مشروع منتفی خواهد بود. اما اگر راهی به‌جز انجام عمل مجرمانه نباشد، مدافع باید به کمترین میزانی که برای دفع خطر لازم است اقدام کند. برای مثال اگر بتوان خطر را با ترساندن یا تهدید کردن به وسیله چاقو دفع کرد، نباید دست به ضرب و جرح به وسیله چاقو برد.

در پایان باید متذکر شد که در دفاع مشروع، دیه ساقط خواهد شد و مدافع نیازی نیست که دیه و یا سایر مجازات‌های آن عنوان مجرمانه رو متقبل شود. دفاع در برابر مأمورین دولتی و یا ضابطان دادگستری که در حین انجام خدمت هستند مشروع تلقی نمی‌شود، مگر اینکه خطر قتل، تعرض و تجاوز و ... باشد که در آن صورت جایز است.

موارد دیگری هم است که رخداد رفتار مجرمانه، جرم تلقی نمی‌شود که به اختصار آن را بیان می‌کنیم: رفتار مجرمانه به حکم و یا اجازه قانون باشد، رفتار مجرمانه برای اجرای قانون مهم‌تر لازم باشد، آمر قانونی آن رفتار را امر کرده باشد، اقدامات تنبیهی والدین (در صورتی که در حد متعارف و حدود شرعی باشد)، در حین عملیات ورزشی رخ داده باشد، عمل طبی و پزشکی باشد (با رعایت قواعد فنی پزشکی و به دور از علم و عمد)

بنابراین می‌توانیم در برابر عامل یا عوامل خطر با رعایت شرایط قانونی از خود دفاع و یا دست به عمل جرم‌انگاری شده بزنیم.

مهرزاد چراغی
کارشناس حقوق

((انسان دارای حق و تکلیف است))

گزاره فوق اولین مسئله ای است که یک علاقه مند به مسائل حقوقی در مطالعه حقوق به آن پی می برد.

البته این به معنای یکسان بودن حقوق و تکالیف انسان ها نیست. در واقع اگر حقوق بنیادین بشر، که مبتنی بر فطرت و ذات انسان بوده و بر مبنای آیه شریفه لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ، تمامی اقشار و گروه های انسانی از آنها بهره مند هستند و همچنین، تکلیف رعایت آن حقوق نسبت به دیگران را کنار بگذاریم؛ میزان حقوق و تکالیف با توجه به موقعیت اجتماعی اشخاص، از شخصی به شخص دیگر متفاوت بوده و این مسئله امری طبیعی است.

اصولا جوامع بشری به واسطه جمع شدن انسان ها به وجود آمدند و خود این جمع شدن نیز معلول نیاز متقابل انسان ها برای حل مشکلاتشان به یکدیگر بود.

این فرایند موجب ارتباط تنگاتنگ افراد شده و از دل آن قدرت سیاسی ظهور پیدا کرد.

این قدرت که حاصل از جامعه سیاسی می باشد برای ماندگاری و درست اعمال شدنش نیازمند ساختار و چارچوبی است و در همین لحظه است که حقوق وارد میدان می شود.

حقوق، قدرت را نظام مند کرده و باعث حقانی شدن آن در میان مردم شده و آن را بر تمامی اجزای اجتماع قاهرانه اعمال می کند. در این میان جوامعی موفق اند که اولاً ساختار حقوقی منسجم و عادلانه ای داشته باشند و ثانیاً تمامی اجزای آن بی هیچ قید و شرطی بهره مند از حقوق خود شده و در سایه آن بدون کمترین بهانه ای مجری تکالیف خود باشند.

در جوامع امروزی یکی از مهم ترین و پرشور ترین اقشار دانشجویان هستند.

دانشجویان به واسطه انرژی جوانی، عطش یادگیری و روحیه پرسشگری و تاثیرگذاری بر اجتماع، موتور محرک مهمی در جهت پیشرفت جامعه هستند.

بنابراین آگاهی این گروه نسبت به حقوق و تکالیفش بسیار مهم است.

در این راستا تفاوتی میان حق و تکلیف نیست و بهره مندی از هر حق و انجام هر تکلیف به یک میزان با ارزش است. منتها از آنجا که نهاد دارای قدرت رسمی (در دانشگاه نهاد های مدیریتی و نظارتی و در جامعه کل حکومت) نسبت به تکالیف دانشجویان (که حقوق آن نهاد است) مسلح به قدرت عمومی است و حساسیت دارد

بنابراین دانشجو چه بخواهد و چه نخواهد با تکالیفش آشنا می شود برای مثال اگر به دانشگاه خودمان نگاه کنیم هر کجا که می رویم آیین نامه پوشش نصب شده است، هر کاری خلاف آیین نامه ها انجام دهیم حتی اگر ندانسته باشد، حراست و دوربین های دانشگاه گوش بزنک آماده تذکرند.

از طرف دیگر دانشجویان قصه ما نیز مانند سایر شهروندان کشورمان تنها زمانی یاد حقوق می افتند که از تکلیفی تخطی کرده باشند و بخواهد راه فراری از آن پیدا کنند.

به همین دلیل با توجه به اینکه متاسفانه آگاهی بخشی نسبت به حقوق دانشجویان هم مورد غفلت دانشگاه قرار دارد و هم مسئله دانشجو نیست بنابراین انجمن علمی حقوق، به عنوان نهادی علم محور و دغدغه مند، نیاز را بر این دید تا به طور ویژه ای به این مهم بپردازد.

منبع اصلی که می توان در بحث حقوق دانشجویی به آن رجوع کرد منشور حقوق دانشجویی است که در سال ۹۶ توسط وزارت علوم وقت، با عنایت به قانون اساسی و سایر قوانین، در ۶۸ ماده و در شش فصل حقوق اساسی، حقوق آموزشی پژوهشی، حقوق صنفی رفاهی، حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی اجتماعی و حقوق انضباطی به شرح زیر تدوین شد.

■ فصل اول حقوق اساسی:

حق دسترسی به آموزش عالی رایگان

حق برخورداری از حقوق برابر

حق منع تبعیضات ناروا

حق بر آزادی

حق بر امنیت شهروندی

حق بر حریم خصوصی

حق بر آزادی اندیشه و بیان

حق دسترسی به اطلاعات

حق دادخواهی

حق برخورداری از دادرسی عادلانه

حق تشکیل انجمنهای سیاسی و صنفی

حق تشکیل اجتماعات

حق برخورداری از تأمین اجتماعی

حق برخورداری از سطح زندگی مناسب

حق دسترسی و مشارکت فرهنگی

حق استفاده قومیتها از زبانهای قومی و محلی

حق محدود بودن تخلفات به حدود قوانین

■ فصل دوم حقوق آموزشی و پژوهشی:

حق تحصیل دانشگاهی

حق برخورداری از فرصتهای برابر آموزشی در دوره تحصیلات تکمیلی

■ فصل ششم حقوق انضباطی

حق رسیدگی به تخلفات دانشجویی در شوراهای انضباطی
حق تفهیم برخورداری از حقوق انضباطی و مفاد آنها
حق اطلاع از اتهام
حق برخورداری از اصل برائت
حق دفاع
حق استماع دفاعیه
حق اطلاع از حکم
حق برخورداری از رسیدگی سریع و منصفانه
حق تجدیدنظرخواهی
حق رسیدگی دو مرحله ای در شورای انضباطی مرکزی
حق استفاده از امکانات دانشگاه و خوابگاه در طول زمان رسیدگی
حق حفظ حریم خصوصی
حق حفظ اسرار
حق درخواست تعلیق و تخفیف
حق امحای سوابق
حق شکایت

البته در منشور یاد شده توضیحاتی راجع به هر یک از حقوق داده شده است که برای مطالعه آن ها علاقه مندان می توانند با رجوع به کانال انجمن و یا اسکن کد فوق نسخه pdf منشور را دریافت کنند.

یادمان باشد عدم آگاهی و بی اعتنایی به حقوق و تکالیف خود نه کنشی روشنفکرانه و مدرن تلقی می شود و نه عملی خدایسندانه و شرعی.

مملکت با قانون و نظم آباد می شود و هرکس در هر جایگاه و با هر توانی بر خلاف این اصل عمل کند مسئول عقب ماندگی جامعه خویش می باشد.

در جامعه ای که ملت همواره به فکر حق خود هستند و در موارد تکلیف دنبال راه فرار می گردند ، دولت آنها نیز همیشه خواهان حقوق حاکمیتی خود و فرار کردن از تکالیفش است و در جامعه ای که دولت از شهروند تنها ادای تکلیف طلب کند و زمان رعایت حقوق شهروند دچار فراموشی شود ملتی وجود خواهد داشت که خود را در همه حال محق می داند و از ادای تکالیفش شانه خالی می کند.

آری

جامعه سیاسی همان دولت-ملت است و جامعه موفق همان دولت-ملت موفقی است که دولت و ملتش قانون مدار باشند

محمد مهدی عبدلی
کارشناس حقوق



حق انتخاب واحد

حق برخورداری از ارزشیابی عادلانه و اعتراض به نمره
حق فرصت جبران
حق درخواست تمدید سنوات
حق انتخاب استاد راهنما و موضوع پایان نامه
حق مالکیت فکری
حق برخورداری از حمایت پژوهشی
حق شرکت در جشنواره های علمی
حق مرخصی
حق تغییر رشته و گرایش
حق مهمان شدن و انتقالی
حقوق دانشجویان نخبه، ممتاز و استعداد درخشان

■ فصل سوم حقوق صنفی و رفاهی

حق برخورداری از شورای صنفی و رفاهی
حق حضور نمایندگان شوراهای صنفی در شوراهای دانشگاهی
حق برخورداری از وام تحصیلی
حق برخورداری از بیمه درمانی
حق برخورداری از خوابگاه
حق برخورداری از فضاها و امکانات ورزشی
حق برخورداری حقوق رفاهی برخی گروههای خاص
حق انجام کار دانشجویی
حق انتخاب به عنوان دانشجوی نمونه
حق لغو تعهد خدمت

■ فصل چهارم حقوق سیاسی:

حق عضویت و فعالیت در تشکلهای اسلامی دانشگاهیان
حق تأسیس تشکل های اسلامی و اتحادیه تشکل های اسلامی دانشگاهیان
حق فعالیت مطبوعاتی سیاسی
حق انتقاد و مطالبه گری
حق آزادی بیان در دانشگاه

■ فصل پنجم حقوق فرهنگی و اجتماعی

حق عضویت و فعالیت در نهادهای اجتماعی و فرهنگی
حق تأسیس نهادهای اجتماعی و فرهنگی
حق فعالیت مطبوعاتی علمی، فرهنگی و اجتماعی
حق برگزاری و شرکت در اردوهای دانشجویی
حق نمایندگی و مشارکت در شوراهای دانشگاه
حق شرکت در جشنواره ها و مسابقات فرهنگی و اجتماعی

هدف اسلام از تعیین عده طلاق چیست؟

همانطور که گفتیم طلاق منفورترین حلال نزد خدا میباشد به همین منظور در دین اسلام با این هدف که بعد از جدایی مرد و زن بتوانند فکر کنند تا اگر میتوانند دوباره کانون زندگی شان را مستحکم تر بسازند و از این عمل منفور جلوگیری شود به همین منظور در طلاق رجعی زن مستحق نفقه میباشد.

در مباحث پیشین گفته شد که طلاق منفورترین حلال الهی می باشد حالا می پردازیم به این سوال که چرا منفور؟ این تقبیح به این خاطر است که طلاق علاوه بر آثار حقوقی، آثار زیان بار فردی و اجتماعی بسیاری به بار خواهد آورد از جمله مشکلات عاطفی، اجتماعی، مشکلات در فرزندان و ..

بدون تردید زن و مردی که مدتی با هم زندگی میکردند و از هم جدا شده اند از نظر عاطفی ضربه میخورند و در زندگی آینده شان به مشکل برمیخورند و این شک و تردید همواره زندگی آینده ایشان را مورد تهدید قرار میدهد. علاوه بر این، آثار زیان بار متارکه جامعه را هم از این خطر مصون نمی دارد و بسیاری از زنان بعد از طلاق شانس زیادی برای ازدواج مجدد به طور دلخواه را نداشته و از این حیث دچار خسران خواهند شد. این مشکلات به صورت دیگر نیز جامعه را مورد تهدید قرار میدهد به این صورت که آمارها نشان داده است که خانواده هایی که دچار طلاق شده اند خاستگاه افراد بزهکار می باشد به این صورت که فرزند طلاق که از داشتن خانواده منع شده بیشتر مستعد بروز خشونت های اجتماعی و بزه را داراست البته به طور مطلق منتج به این نتیجه نمی شود اما فرزند طلاق نسبتا بیشتر مستعد بزه میباشد.

ابتدای بحث را با کلمه طلاق شروع میکنیم؛ کلمه طلاق از ریشه طلق گرفته شده است و به معنای آزاد شدن میباشد.

طلاق در منظر فقهی و حقوقی به معنای زایل کردن عقد نکاح میباشد که با صیغه ای مخصوص ایراد می گردد. طلاق اگرچه در دین اسلام عملی جایز است و نامشروعیتی در اسلام ندارد اما از معدود اعمال جایزی است که بنابر روایات بسیاری، به عنوان منفورترین حلال نزد خداوند میباشد.

طلاق از نظر حقوقی جزو ایقاعات است یعنی بر خلاف ازدواج که با توافق طرفین انشا و منعقد می گردد، تنها از سوی زوج انجام میگردد.

انواع طلاق

طلاق به دو نوع مختلف منقسم میشود:

(1) طلاق رجعی (2) طلاق بائن

■ طلاق رجعی:

طلاق رجعی نوعی از طلاق است که در آن در زمان عده (عده طلاق در ادامه توضیح داده خواهد شد)، مرد میتواند به همسرش رجوع کند یعنی می تواند بدون عقد ازدواج دوباره او را همسر خود کند. در طلاق رجعی در زمان عده زوجه، همه احکام زوجیت با چند استثنا میان زوجین جاری میباشد.

■ طلاق بائن:

نوعی طلاق است که در آن زوج حق رجوع به زوجه را ندارد. در این نوع طلاق چه زن در عده باشد چه نباشد رجوع زوج به آن جایز نمیشود.

● طلاق های زیر بائن محسوب میشود:

۱. طلاق زنی که بعد از ازدواج با او آمیزش نشده باشد.
۲. طلاق دختری که 9 سالش تمام نشده باشد.
۳. طلاق زن یائسه (زن یائسه زنی است که به دلیل سن، دچار عادت ماهانه نمی شود).
۴. طلاق خلع (طلاق خلع طلاقی است که در آن زن به واسطه کراهتی که از مرد دارد با بخشیدن مهریه یا پرداخت مالی دیگر به زوج، رضایت او را بر طلاق جلب می کند)
۵. طلاق مبارات (در طلاق مبارات زوج و زوجه هر دو از هم کراهت دارند و برخلافه مقدار عوض طلاق نمی توانند بیشتر از مهریه باشد)
۶. سه طلاقه

* نکاتی درباره عده طلاق

عده محدوده زمانی خاصی است که در آن، ازدواج برای زن جایز نیست. البته عده منحصر به طلاق نیست و علاوه بر عده طلاق به عده عقد موقت و عده وفات نیز منقسم می شود واز لحاظ مدت باهم متفاوت می باشند.



اولا نیازمند صرف زمان و هزینه انسانی بسیار زیادی باشند و ثانیاً به دلیل میزان دخالت بالای عامل انسانی در تصمیم گیری ها قادر به لحاظ کردن تمام فاکتورهای تاثیرگذار در یک جرم و ارتباطات بین آنها نباشند. چنین شرایطی ضرورت به کارگیری یک روش نظام مند مبتنی بر فناوری اطلاعات جهت کشف و حل جرایم را بیش از پیش نمایان می‌سازد. ماهیت پیچیده داده های مرتبط با جرم و بزهکاری و روابط نامحسوس میان این داده ها موجب مقبولیت روز افزون استفاده از دانش داده کاوی در میان جرم شناسان و تحلیلگران جرم شده است. به طور معمول یک قاضی بر اساس دانش تجربه شخصیت و احساسات خود قضاوت می کند. با افزایش تعداد پرونده ها بررسی اسناد و شواهد به صورت دقیق دشوار است و ممکن است قضاوت ها ذهنی تر شوند. همچنین با افزایش حجم کاری یک قاضی ممکن است بیش از حد تحت فشار قرار گرفته و نتواند یک قضاوت با کیفیت انجام دهد. پیش بینی حکم دادگاه توسط الگوریتم هوش مصنوعی علاوه بر قضاات می تواند جهت استفاده کارشناسان حقوقی و نیز دادخواهان بسیار مفید واقع شود. همچنین این نوع پیش بینی می تواند به عنوان یک خدمت مشاوره ای آنلاین به آحاد جامعه ارائه شود تا قبل از طرح دعوی در محاکم قضایی و تنظیم دادخواست یا شکوائیه نسبت به نتایج احتمالی درخواست خود آگاه یافته و چه بسا همین امر سبب کاهش چشمگیر پرونده ها و نیز کاهش هزینه های سرسام آور گرفتن وکیل در برخی موارد برای قشر کمتر برخوردار گردد. در کنار مزایای استفاده از هوش مصنوعی در دستگاه قضایی چالش هایی هم وجود دارد برای مثال قضاات در فرایند رسیدگی ناگزیر از استدلال اند. به نظر می رسد هوش مصنوعی اگرچه در ترتیب دادن استدلالهای صوری موفق عمل می کند اما اغلب این استدلال ها در پرونده های ساده و روشن کاربرد دارند و در پرونده های بدیع و دشوار با چالش های جدی روبرو است در رسیدگی های قضایی بسیار اتفاق می افتد که نمی توان پاسخ به یک مسئله حقوقی را در قوانین موضوعه یافت در اغلب پرونده های حقوقی برای چنین پرونده هایی راهکارهایی اندیشیده می شود.



دیر زمانی است که فناوری و حضور پررنگ آن را دیگر نمی‌توان منکر شد شاید اگر هم در این دهه گذشته به یک شخص قدیمی می گفتید که امکان حضور در جلسه رسیدگی دادگاه از راه دور امکان پذیر است به سختی سخن شما را می پذیرفت اما با گسترش ارتباطات و رخنه این پدیده در قوه قضاییه، امکان حضور میسر شده است که شخص به سادگی می‌تواند با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی از ابتدا تا مرحله اجرای یک پرونده قضایی را بصورت کامل، برخط پیگیری نماید و جز در موارد ضروری و استثنایی، حضور الزامی نیست.

در حال حاضر با پیشرفت هوش مصنوعی و تحول دانش دیجیتالی بشر به اختراع متبحرانه‌ای به نام تکنولوژی تشخیص چهره دست یافته است. در این پلتفرم که بر مبنای هوش مصنوعی برنامه نویسی می‌شود حرکات عضله و ماهیچه ای صورت، مورد پردازش قرار می‌گیرد تا با توجه به داده‌های موجود، تشخیص داده شود که شخص دروغ می‌گوید یا خیر در جلسات دادرسی یا کلانتری که در حال ثبت و ضبط اولین اظهارات افراد است می‌توان با تعبیه دوربین‌های پیشرفته به پردازش چهره افراد پرداخت و همزمان که رسیدگی در جریان است دوربین ها نیز با تشخیص چهره شخص و ارائه گزارش در انتهای جلسه به قاضی در تشخیص میزان صداقت و کذب افراد کمک شایانی کنند. از آنجایی که دقت سیستم‌های تشخیص چهره عاری از خطا نیست در نتیجه در فاز آزمایشی می‌توان با در نظر گرفتن سایر ادله و مدارک موجود در پرونده و پرسش و پاسخ از اطراف پرونده به این نتیجه رسید که میزان صداقت را به درستی تخمین زده است یا خیر؟ هر چقدر این درصد و تخمین دستگاه و دقت آن بالاتر رود می‌توان به کمک این سیستم امیدوارتر باشیم که اشخاص برای دستیابی به حقانیت خود باید اسناد و مدارکی به دادگاه ارائه بدهند. این دلایل و مدارک که معمولاً در پرونده‌ها با موضوع مشترک، شبیه به هم هستند در نتیجه می‌توان با سپردن آنالیز اسناد به هوش مصنوعی نسبت به تشخیص سند جعلی از سند موثق اقدام نمود. از سوی دیگر تشخیص جعل عمیق یکی از خدمات بزرگ هوش مصنوعی به بشریت است. این فناوری که می‌تواند به صورت دقیق تصاویر و فیلم‌ها را از اصل آن تشخیص دهد به خوبی توانسته جلوی جعل و ساخت فیلم‌های غیرواقعی را بگیرد. از آنجایی که یکی از عمده دلایلی که در دادگاه ارائه می‌شود، فیلم دوربین های مداربسته است لذا برای تشخیص اصالت این فیلم ها، فناوری مذکور می‌تواند با پردازش سریع فیلم گزارش مبسوط و بی نقصی به قاضی پرونده ارائه دهد. حجم انبوه داده ها و اطلاعات مرتبط با جرائم در اداره پلیس از یک سو و پیچیدگی ارتباطات میان این جرایم از سوی دیگر، موجب می گردد تا روشهای سنتی تحلیل جرم که غالباً توسط کارآگاهان زبده و با تجربه و بازرسان صحنه جرم به کار گرفته می شوند،

در نظام حقوقی ایران، این راهکار در اصل 167 قانون اساسی و ماده 3 قانون آیین دادرسی مدنی آمده است. در چنین شرایطی قاضی باید با استفاده از قوه ابتکار خود و با کاربرست اصول حقوقی (در نظام حقوقی ایران فتاوی معتبر) دعوای مطروحه را حل و فصل نماید. در اینجا این پرسش مطرح می شود که آیا هوش مصنوعی قادر به رسیدگی به چنین پرونده هایی نیز می باشد؟ یادگیری ماشینی صرفاً در موقعیتی کاربرد دارد که اطلاعاتی را که سامانه تحلیل می کند مشابه با اطلاعات جدیدی باشد که در اختیار آن سیستم قرار می گیرد در صورتی که در مورد پرونده های بدیع و فاقد سابقه در رویه قضایی چه بسا هوش مصنوعی نتواند به نتیجه مطلوبی برسد. در واقع اعمال صلاحدید قضایی در پرونده های بدیع مستلزم ارزیابی شرایط آن پرونده با دیدگاهی تازه است که از عهده هوش مصنوعی خارج است. می توان بیان داشت که اگرچه هوش مصنوعی می تواند در تسريع، تسهيل و افزايش دقت نهاد دادگستري در رسيدگي هاي حقوقي راهگشا باشد، وليكن در توسعه و بكارگيري اين فناوري بايد تدابير الزام به عمل آمده و مطالعات دقيقی صورت بگیرد. هوش مصنوعی با قابلیت های فعلی آن به دلایلی روشن قادر نیست به کلی جایگزین شغل قضاوت در همه سطوح گردد ولی با انجام رسیدگی های ساده تر می تواند حجم کار قضات را کاهش دهد که البته در این رسیدگی ها نیز نظارت قضات انسانی بر آرای هوش مصنوعی ضروری می باشد. در پرونده های پیچیده تر و مراجع عالی، قضات انسانی می بایست با درک عمیق از جامعه، فرهنگ، اخلاق و عرف حاکم بر یک کشور، به توسعه حقوقی به فراخور نیاز های اجتماعی کمک کرده و به عنوان سکان داران عدالت در نظام قضایی، نقش خود را حفظ کنند. در حقوق ایران شایسته است قانونگذار و سایر دستگاه های ذیربط هرچه زودتر اقداماتی را در راستای بکارگیری بهینه و کنترل شده این ابزار در عرصه رسیدگی های قضایی در مراحل ابتدایی و در پرونده های کوچکتر ترتیب دهند تا جامعه از نتایج سودمند این فناوری بهره مند گردد.

سارا براتی
کارشناس حقوق

منابع

به ترتیب عناوین:

۱. رویه قضایی در دادگاه های خانواده
۲. قانون مجازات اسلامی ، شرح قانون مجازات اسلامی دکتر احمد غفوری ، مقاله پژوهشکده باقر العلوم
۳. منشور حقوق دانشجویی ، کلیات حقوق اساسی دکتر ابولفضل قاضی
۴. مقاله طلاق ، دکتر مسعود مرشدی و محمد موسوی زاده
- ۵: مقاله بررسی بکارگیری هوش مصنوعی در فرآیند دادرسی ، پویا یوسفی پور ، هرمز اسدی کوه باد
کتاب حقوق و هوش مصنوعی مهنوش آذری
مقاله چالش های کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در دادرسی های حقوقی ابراهیم رهبری ، علی شعبانیپور

کوشه‌ای از دیدگاه عدالت

حقوق قدرت را نظام مند کرده و باعث حقانی شدن آن در میان مردم شده
و آن را بر تمامی اعضای اجتماع قاهرانه اعمال می کنند

در این میان جوامعی موفق اند که
اولا ساختار حقوقی منسجم و عادلانه ای داشته باشند
و ثانيا تمام اجزای آن بی هیچ قید و شرطی بهره مند از حقوق خود شده
و در سایه آن بدون کمترین بهانه ای مجری تکالیف خود باشند